

بررسی عوامل جامعه‌شناختی مرتبط با خرافات

صفی‌اله صفایی^۱
موسی طیبی‌نیا^۲
نصراله عرفانی^۳

۸۸/۱۰/۲۴
۸۸/۱۲/۲۴

تاریخ دریافت:
تاریخ پذیرش:

چکیده

این مقاله برگرفته از یک طرح پژوهشی با عنوان بررسی گرایش به خرافات و عوامل مرتبط با آن در بین شهروندان همدانی می‌باشد که با استفاده از روش پیمایشی انجام شده است. تکنیک مورد استفاده برای گردآوری اطلاعات پرسشنامه بوده که اطلاعات مورد نیاز آن از یک نمونه ۳۲۱ نفری از شهروندان همدانی با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای گردآوری شده است.

مهمترین نتایج بدست آمده از این مطالعه عبارتند از: زنان خرافاتی‌تر از مردان هستند. با افزایش در سن، احساس نابرابری و از خود بیگانگی، گرایش به خرافات بیشتر می‌شود. مشاغل فکری (خدماتی) و فارس‌زبانان گرایش کمتری به خرافات داشته و مشاغل کشاورزی و کرد و لرزبانان گرایش بیشتری به خرافات دارند. با افزایش تحصیلات، درآمد، آگاهی، کنش عقلانی، احساس امنیت و رضایت از زندگی گرایش به خرافات نیز کمتر می‌شود.

در تحلیل رگرسیون چند متغیره به منظور مشخص نمودن معادله‌ای که بتوان با آن خرافات را پیش‌بینی کرد به معادله‌ای با متغیرهای میزان تحصیلات، کنش عقلانی، انزوا، احساس امنیت و بی‌معنایی دست یافتیم که نهایتاً ۳۰ درصد از واریانس متغیر وابسته از طریق این معادله تبیین شد.

واژه‌های کلیدی:

خرافات، احساس امنیت، از خود بیگانگی، کنش عقلانی

- ۱- دکتری جامعه‌شناسی مدرس دانشگاه پیام نور استان همدان
- ۲- کارشناس ارشد جامعه‌شناسی و دبیر آموزش و پرورش: همدان
- ۳- دکتری روانشناسی، عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور همدان

مقدمه

عقلانیت در زندگی اجتماعی انسانها در سده هیجدهم آنچنان گسترش یافت که این سده، به سده خرد معروف گردید و به دنبال آن سده های نوزدهم و بیستم میلادی به سده آزمون خردگرایی تبدیل گردید و در این زمان کشف روابط علی و معلولی پدیده ها در دستور کار قرار گرفت. عقل و اندیشه ابزارهای کارآمدی هستند که موقعیت انسان را در عالم هستی مشخص می کنند و اگر انسان نتواند به نحو شایسته از این دو استفاده کند برای مقابله با ناتوانی خود در برابر موجودات دیگر ناچار متوسل به نیروهای مافوق تصویر و پدیده های خرافی خواهد شد که تمامی ساخته دست خود او هستند (حرم پناهی، ۱۳۸۱: ۲).

از اینرو می توان گفت گسترش دانش در عرصه های مختلف زندگی اجتماعی به کاهش خرافه می انجامد و از این طریق موانع توسعه فردی و اجتماعی از میان برداشته می شود. در جوامع فقیرتر که ناکامی، فقر و سردرگمی بیشتری در آنها وجود دارد اعتقاد به خرافات ریشه ای محکم تر از کشورهای پیشرفته و غنی دارد. با این وجود هرگز نباید تصور کرد که در کشورهای پیشرفته و ثروتمند دنیا اعتقاد به خرافات وجود ندارد به عنوان مثال کشور انگلیس یکی از خرافاتی ترین کشورهای دنیا است (گاکاند، ۱۳۷۸: ۴۰۵). برخی از باورها و اعتقادات بومی در ایران نتیجه آزمایش روزانه، خانوادگی، مذهبی و انفرادی و بازمانده و یادگارهایی از نژاد هند و ایرانی است و حتی بعضی از آنها یادگارهای دوره ابتدایی بشر (مربوط به زمان کوچ خانواده آریایی به فلات ایران) است، مانند اعتقادات و افسانه های موجود درباره ماه، خورشید، ازدها، صحبت با جانوران و گیاهان و... برخی دیگر از باورهای خرافی در ایران را می توان ناشی از هجوم همسایگانی مانند کلد و آشور که در واقع مادر خرافات و جادو بودند، دانست. این اقوام بیگانه با خداهای ترسناک شان همچنین باورهای مربوط به قربانی ها، سعد و نحس روزها، ساعت ها، تاثیر ستاره ها در سرنوشت انسان و غیره بر ایرانیان تاثیر به سزایی گذاشته اند (هدایت، ۱۳۴۲: ۲۱-۱۹). خرافات و انحراف از عقاید ناب از گذشته های دور یکی از مهمترین عوامل فرار از واقعیت ها به شمار رفته، بر همین اساس است که قرآن مجید یکی از اهداف پیامبر را مبارزه با اوهام و خرافات می داند. به عنوان مثال در سوره اعراف آیه ۱۵۷ آمده است: «و یضع عنهم اصرهم و الاغلال التي كانت

علیهم» پیامبر اسلام تکالیف شاق و غل و زنجیرهایی را که بر آنهاست برمی دارد. منظور از غل و زنجیر به یک تعبیر، همان اوهام و خرافاتی است که دست و پای اعراب دوران جاهلیت را بسته بود. خرافات امروزه نیز یکی از معضلات جامعه بشری محسوب می شود. شاید خرافات به عنوان پدیده ای که ساخته دست بشر است، تنها معضلی باشد که به رغم تغییرات و تحولات و رشد و توسعه جوامع هنوز به حیات خود ادامه می دهد و نه تنها از شدت آن در قرن بیست و یکم کاسته نشده، بلکه به نظر می رسد روز به روز طرفدارانش نیز زیاد شده اند در این زمان در کوچه و بازار به سهولت به افرادی برمی خوریم که پیشه آنها فال بینی و ستاره شناسی است. بقایای این پیشه به صورت فال بینی، سر کتاب بینی، دادن مهره مار، کف بینی، فال قهوه و... هنوز در جامعه ما کمابیش به چشم می خورد. به همین منظور به بررسی این پدیده فرضی و عوامل مرتبط با آن در شهر همدان پرداختیم.

طرح مسأله

بارزترین مصداق اندیشه های انحرافی همان چیزی است که به آن خرافات گفته می شود. خرافات در فرهنگ معنوی جامعه از مقوله های «شعور اجتماعی» است و از نظر منشاء از میراث اجتماعی قدیمی بازمانده از قوم های باستانی (کلدانیان، بابلیان و اعراب پیش از اسلام) می باشد که امروز از آسیب های اجتماعی شمرده می شود. از این رو جنبه بدآموزی داشته و صفت بازدارندگی از پیشرفت از مشخصه های آن است و در جامعه های سنتی و ایستا بیشتر رواج دارد. کلمه خرافه که مفرد خرافات و معادل اصطلاح لاتین Superstition است در لغت به معنای زوال عقل ناشی از پیری، افسانه و داستان بی اساس (فضایی، ۱۳۷۷: ۴۸۳)، حدیث باطل؛ سخن بیهوده و یاوه (عمید، ۱۳۶۵: ۱۰۰۱)، سخن موهوم و افسانه ای (فروتن، ۱۳۷۰: ۸۰۲)، درک نادرست علت و معلولها، ترس از ناشناخته ها و اعتقاد افراطی به تاثیر عوامل ماوراء الطبیعه در زندگی بشر (صدری، ۱۳۷۳: ۴۱۳)، هر نوع عقیده نامعقول و بی اساس (اکسفورد^۱) می باشد. در اصطلاح خرافات یعنی اخبار و اعمال و عقیده های بی اساس و باطل (فضایی، ۱۳۷۷: ۴۸۳). در تعریف جامع تری آمده است: خرافات عبارتست از قائل شدن تاثیر برای چیزهایی که از نظر مسلمات

عقل و علوم تجربی و آیات قرآن.

به عنوان مثال اروپای قرون وسطی غرق در عقایدی بود که امروز از آن به عنوان خرافه یاد می شود (جاهودا، ۱۳۶۳: ۱۰). مبنای واقعی خرافات شیوع اعتقاد و باورهای اجتماعی افراد

جامعه می باشد. صفات مشترک اغلب این گونه باورها عبارتست از:

(الف) عمومی بودن چگونگی و شیوع آن در تعیین روابط افراد جامعه؛

(ب) وجود نیرو و قدرت کامل آن بدین معنی که بسیاری از اجتماعات بشری از سر اعتقاد به مظاهر خرافی پای بند می باشند؛

(ج) جنبه خارجی بودن موضوع، بدین معنی که اعتقادات اولیه افراد مربوط به فرد و زمان خاصی نیست بلکه چنان است که گویی آن پدیده از دنیای ناشناخته ای به یک یک افراد تحمیل گردیده است؛

(د) پیدایش و فقدان تدریجی باورها در مجامع مختلف و تغییرات آن (ناصح، ۱۳۵۷: ۱۷۷). باورهای خرافی گاه از سرزمینی به سرزمینهای دیگر راه یافته است. مردمان یونان قدیم به انجمنی مرکب از خدایان دوازده گانه معتقد بودند و به این باور بودند سیزدهمین فرد که وارد شد، یکی از آنان را کشت و این مجلس را به هم زد و از همان روز، عدد سیزده منحوس و بدشگون گشت. این عقاید با نفوذ عجیبی در تمام جهان متمدن آن زمان، انتشار یافت و مردم به این عقیده گرویدند و از عدد سیزده می ترسیدند (حرم پناهی، ۱۳۸۱: ۶). مردم شهر همدان نیز همپای مردم بسیاری از نقاط ایران و جهان عدد سیزده را نحس دانسته و حتی در نوشتن پلاک منازل بجای عدد ۱۳، عدد ۱+۱۲ را لحاظ نموده اند. به جز این مورد، موارد دیگری را می توان به عنوان نشانه های خرافات که در طول تاریخ در شهر همدان شکل گرفته اند اشاره نمود، شیر سنگی همدان در باورهای مردم یک طلسم بوده است و مهار کننده برخی عوامل مخرب طبیعی شهر محسوب می شده است (جهان پور، ۱۳۷۷: ۱۷۶). همچنین از قدیم الایام اعتقاد به «آل» بوده است با نگاهی عالمانه و کنجکاوانه می توان به این نکته پی برد که اعتقاد به آل ناشی از بروز برخی بیماری های ناشناخته ناشی از بارداری و زایمان بوده است که به جهت بی اطلاعی و برای تفسیر واقعه ای که همیشه در زندگی رخ می داد، به تولید افسانه ای «آل» منجر شده است (قبادی، ۱۳۷۷: ۱۱-۱۰).

امروزه استفاده از خرافات به شکل مراجعه به کف بین ها، رمالها و فالگیرهایی که ابزار کار آنها نخود، قهوه، ورق، کتاب، پرند و گوی بلورین است به چشم می خورد که این موارد در همدان نیز مشاهده می شود بخصوص در اماکن تاریخی و فرهنگی که پذیرای بازدیدکنندگان بیشماری از داخل و خارج کشور میباشد این افراد چهره زشتی از شهر را به نمایش می گذارند و متأسفانه به دلیل عدم آگاهی و توانایی مردم در حل مشکلات خویش و مراجعه به این افراد برای حل مشکلات خود بازار کار افراد مذکور از رونق خوبی برخوردار است که نه تنها مشکلات مراجع کنندگان را حل نمی کنند بلکه مشکلات آنان بیشتر می گردد. علاوه بر این بعضی افراد با مطالعه کتابهای طالع بینی، آموزش کف بینی و اعتقاد به سعد و نحس بودن امور، به نوعی در انجام کارهایشان به خرافات متوسل می شوند. فال با آرامش و امید واهی که به فرد می دهد مدتی او را سرگرم کرده و سرابی برای او می گستراند که انسان را از مسیر حقیقی خود دور و اجازه تفکر عقلانی و حس مسئولیت پذیری را از او سلب می کند. جامعه شناسان معتقدند که جامعه خرافی جامعه ای عوام زده است که مردم آن برای رسیدن آسان به هدف، به فال و خرافات روی می آورند. البته باید یادآور شد بخشی از طالع بینی که فاقد مبنای علمی است هم در حوزه خرافات قرار می گیرد. طالع بینی علمی حرکات اجرام آسمانی را با توجه به دانش ریاضی و فیزیک پیش بینی می کند مانند وقایع کسوف و خسوف اما طالع بینی غیر علمی بر این مبناست که آینده انسان را بر اساس حرکات ستارگان و سیارات پیش بینی می کنند که در حوزه خرافات قرار می گیرد (خالدی خادمی، ۱۳۷۵: ۳۵).

از آنجایی که خرافات مصادیق گسترده ای را در بر می گیرد در این مقاله تلاش شده است تا به مواردی از اعتقاد به بدیمنی یا خوش یمنی، فال و شانس پرداخته شود و سعی بر آن است تا به این سوالات پاسخ داده شود.

- میزان گرایش به خرافات در بین شهروندان همدانی چقدر است؟
- چه عواملی در گرایش به خرافات در بین شهروندان همدانی مرتبط می باشد؟

ضرورت و اهمیت تحقیق

برای تحقق هر پدیده اجتماعی شرایط ذهنی و عینی لازم است. توسعه، یک پدیده اجتماعی است که دسترسی به آن از اهداف اساسی هر جامعه است که تحقق آن نیاز به شرایط ذهنی

و عینی دارد و اگر این شرایط مهیا نشود، تحقق توسعه امکان پذیر نخواهد بود. در دهه شصت متفکرانی همچون آلmond^۱ تاکید زیادی بر روی فرهنگ داشته و معتقد بودند تا نگرش مردم را تغییر ندهیم توسعه امکان پذیر نخواهد بود. ما باید فرهنگ را نوگرا نماییم. عناصر ذهنی و فرهنگی جامعه زیربنای هر نوع رشد و توسعه اقتصادی است. کشور ما برای استمرار بقای خود بایستی در کوتاه ترین زمان، به سطح توسعه یافته ترین جوامع صنعتی به لحاظ فنی و اقتصادی برسد چنین جهشی نیازمند مردمی با انگیزه های لازم و با سطح عقلانیت و رشد فرهنگی بالاست. مردمی که در دنیای امروز برای حل مشکلات خود بی هیچ حرکتی منتظر دستهای نامرئی باشند، از جادوگران یاری بخواهند، کار و تلاش را امری مهمل بدانند و چنان در شکل و ظاهر امور غرق شوند که به عمق امور پی نبرند، نمی توانند سربازان خوبی برای توسعه کشور باشند. با توجه به عامل ذهنی - فرهنگی به عنوان پیش شرط توسعه می توان گفت، جامعه ای که غرق در خرافات باشد شرایط ذهنی روانی لازم را برای توسعه ندارد (سپهر، ۱۳۷۵: ۲-۱). از دیدگاه کارکردی باورهای خرافاتی کارکردهای منفی ایجاد می کنند که مانع دسترسی به توسعه است و اهم آنها عبارتند از:

الف) اندیشه های خرافی الگوی رفتاری نادرست و غیرمنطقی را به جامعه تحمیل می کنند. اگر مردم جامعه ای دچار خرافات و اوهام باشند حکام چنین جامعه ای به راحتی قادرند بر پایه این تخیلات بر آنها حکم رانند و منافع خویش را دنبال کنند و مردم به صورت توده های بی خاصیت درمی آیند. به قول سی رایت میلز^۲، چنین جامعه ای را باید جامعه توده ای نامید. جامعه توده ای در مقابل جامعه مردمان قرار دارد. در جامعه مردمان، فرد براساس اراده خود تصمیم می گیرد اما در جامعه توده ای، فرد تابع تبلیغات حکام است و حتی گاه حکام خود را در قالب اسطوره ها قرار می دهند و مقدس می شمارند و این خود موجب سلطه است (همان: ۱۶۱)

ب) اندیشه های خرافی با گسترش خود سلامت دین را تهدید می کنند.

ج) گسترش اندیشه های خرافی، تصویر نادرست و نامطلوبی از جامعه ما در سطح جهان ارائه می کند.

د) نابهنجاری و معضلات اجتماعی، با ریشه یابی بسیاری از معضلات اجتماعی، می توان به

1- Almond

2- Mills

نقش خرافات در بروز آنها پی برد از جمله این معضلات می توان به پدیده طلاق اشاره نمود. با کمی توجه به میزان طلاق و علل آن در جامعه متوجه می شویم که در تعدادی از این طلاق ها نقش فال بین ها کاملا مشهود است و می توان حدس زد که تا چه حد اعمال و طرز برخوردی که فال بین ها نام آنها سحر گذاشته اند بر روان مراجعه کنندگان تاثیر گذار بوده است. همچنین عواملی چون نامعلوم بودن آینده جوانان، سعادت و یا ننگون بختی آنان شکست در مراحل گوناگون زندگی و در این اواخر قبولی در کنکور از جمله مواردی است که بیشترین علت جذب جوانان به مراکز فال بینی را شامل می شود، اما به هر دلیلی که باشد نمی توان از آثاری که این اعمال بر روی جامعه دارند غافل شد (فیض آبادی فراهانی، ۱۳۷۸: ۵).

از اینرو، از چند جهت باید با خرافه مبارزه کرد:

۱- اندیشه خرافی از آن نظر که اثر نامطلوب بر الگوهای رفتاری جامعه می گذارد، مسیر دستیابی به توسعه و اجتماعی جامعه، اثری منفی بر جای خواهد گذاشت، زیرا با اتکا به بخت و اقبال بلند، روحیه کار و تلاش از بین می رود و از سوی دیگر روحیه برخورد علمی و جستجوگری در جامعه گسترش نمی یابد.

۲- اندیشه خرافی به عنوان تهدید کننده سلامت دین و اعتقادات مذهبی در سطح جامعه عاملی مزاحم در مسیر حرکت و رشد معنوی و تعالی اخلاقی جامعه است. زیرا با تخریب و مخدوش ساختن چهره دین و اعتقادات دینی علاوه بر منحرف ساختن دین، زمینه گریز از مذهب را به ویژه برای نسل جوان و فرهیختگان جامعه فراهم می آورد (بی نا، ۱۳۷۸: ۴۱۳).
به نظر دیوید هیوم^۱، یک دین هر اندازه معقول و منطقی و به دستورهای اخلاقی آراسته باشد در اذهان مردم ناآگاه و بی دانش، ناگزیر مسخ می شود و زینهای اجتماعی بسیار به بار می آورد (فراستخواه، ۱۳۷۱: ۲۹).

۳- اندیشه های خرافی با فراهم آوردن حربه های تبلیغی برای استکبار جهانی دامنه تاثیر گذاری پیام انقلاب اسلامی را محدودتر می سازد (بی نا، ۱۳۷۸: ۴۱۳) و چهره ای نامناسب و زشت از جامعه ما به عنوان الگوی اسلامی ترسیم می نماید.

بنابراین می توان گفت اساس زندگی انسان بر پایه پوچی قرار گرفتن، به جای تکیه بر واقعیت و حقیقت امور کاهش اتکا به نفس و وابستگی به خرافات در اعمال و رفتار، مانع تحقیق

روشهای درست علمی و دور شدن از واقعیت و در نهایت جلوگیری از پیشرفت کل جامعه، از پیامدهای منفی شیوع خرافه گرایی در فرد و جامعه است.

اهداف تحقیق

- شناسایی میزان گرایش به خرافات در بین شهروندان همدانی.
- مقایسه گرایش به خرافات مردان و زنان.
- شناسایی نقش متغیرهای (فرهنگی - اجتماعی و اقتصادی) در گرایش به خرافات شهروندان.
- شناسایی مهم ترین عوامل مرتبط با گرایش به خرافات شهروندان.

مدل تحلیلی

مدل تحلیلی لولایی است که طرح نظری مسئله تحقیق تدوین شده محقق را با کار بعدش که مشاهده و تحلیل اطلاعات است به یکدیگر متصل می کند (کیوی^۱ و کامپنهود^۲، ۱۳۷۵: ۱۰۲). برخی از پژوهشگران از یک نظریه خاص در تبیین پدیده مورد بررسی خود استفاده می کنند. اما با توجه به پیچیدگی بیشتر پدیده ها اجتماعی بهتر است مدل تحلیلی تحقیق، ترکیبی از نظریه های مختلف باشد تا قدرت تبیین آن مدل بالاتر رود. بر همین اساس مدل تحلیلی مورد استفاده یک مدل ترکیبی است که به مهم ترین آنها بطور خلاصه پرداخته می شود.

الف) رویکرد عقلانیت، این رویکرد بیشتر با نظریه وبر^۳ و هابرماس^۴ مشخص می شود و با یک جهت گیری عقلانی به پدیده های مختلف اجتماعی می پردازد. بر همین اساس ژولین فروند^۵ در کتاب جامعه شناسی ماکس وبر می گوید عقلانی شدن، عبارت از سازمان دادن زندگی، به وسیله تقسیم و همسازی فعالیت های گوناگون بر پایه شناخت دقیق مناسبات میان انسانها با ابزارها و محیطشان به منظور تحصیل کارائی و بازده بیشتر است (فروند، ۱۳۶۸: ۲۴). در خصوص پدیده خرافات به عنوان پدیده ای که یکی از ابعاد قابل بررسی در تعریف اولیه

1- kiwi
2- Kampnhvd
3- Weber
4- Habermas
5- Freund

آن رفتار و کنش غیرعقلانی است می توان از این رویکرد بهره برد.

(ب) رویکرد پدیده شناسی، این رویکرد دنبال شناخت پدیده هاست و بر آن است که آگاهی سرچشمه و اساس یکپارچگی شناخت است (توسلی، ۱۳۷۳: ۳۵۵). براساس این رویکرد می توان گفت برای رسیدن به شناختی درست و علمی و به دور از هرگونه تعصب، پیشداوری و توأم با خرافات باید زمینه آگاهی فراهم و تقویت شود.

(ج) رویکرد دسترسی نابرابر به منابع، کالینز^۱ که یکی از چهره های شاخص در جامعه شناسی کشمکش می باشد به مساله دسترسی نابرابر به منابع توجه زیادی نموده و اذعان می نماید که افراد در صدد دسترسی به بیشترین حد منزلت ذهنی و اجتماعی هستند. لذا برای رسیدن به این منظور به دلیل داشتن منابع نابرابر با همدیگر در تعارض و کشمکش قرار می گیرند. نمونه بارز این تعارض که نمود دسترسی نابرابر به منابع می باشد تعارض بین دو جنس مخالف (زن و مرد) می باشد (تورنر^۲، ۱۹۹۸: ۱۸۰).

(د) رویکرد رضایت از زندگی، اینگلهارت^۳ به صورت تجربی به بررسی تطبیقی جوامع در حوزه های مختلف فرهنگی، اجتماعی - اقتصادی و سیاسی پرداخته است. یکی از متغیرهای مهم در بررسی وی رضایت از زندگی است که به زعم وی می تواند نتیجه گرایش به جامعه باشد. به این صورت که هر چه گرایش به جامعه منفی تر باشد رضایت از زندگی نیز در سطح پائینی قرار می گیرد و البته نارضایتی از زندگی می تواند پیامدهای مهم سیاسی به دنبال داشته باشد (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۳۵-۳۲). شاید بتوان یکی از این پیامدهای مهم سیاسی را گرایش به رفتارهای خرافی دانست که تعادل نظام اجتماعی را به خطر می اندازد.

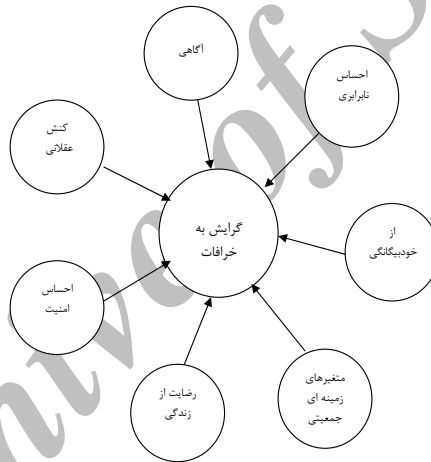
(ه) رویکرد امنیت، یکی دیگر از متغیرهای مهم در بررسی اینگلهارت امنیت می باشد. تاکید وی بر بعد اقتصادی و جانی امنیت است. به نظر او این دو بعد امنیت (اقتصادی و جانی) توأم هستند و کسانی که درباره این نیازهای طبیعی احساس ناامنی می کنند دیدگاه و رفتار سیاسی کاملاً متفاوتی با آنهايي دارند که درباره این نیازها احساس امنیت می کنند (همان: ۱۵۲). یکی از عواملی که می تواند تاثیر منفی در نظام اجتماعی و سیاسی جامعه داشته باشد گرایش به رفتارهایی است که عالمانه و عاقلانه نبوده و صرفاً به دلیل آنکه به

1- Collins
2- Turner
3- Ingelhart

زعم افرادی که این رفتارها را نشان می‌دهند مرهمی بر زخم بی‌امنیتی در جامعه می‌باشد صورت می‌گیرد.

و) رویکرد از خود بیگانگی، سیمن در یک قالب منظم و منسجم به بررسی پدیده از خودبیگانگی پرداخته است وی پنج شاخص عمده را برای از خودبیگانگی در نظر می‌گیرد که عبارتند از: بی‌قدرتی، بی‌معنایی، بی‌هنجاری، انزواگرایی، جدایی از خویشتن. به زعم وی در شرایط از خود بیگانگی افراد قادر به کنترل نتایج اعمال و رفتارهای خود نیستند و به کنشی منفعلانه و ناسازگارانه در قبال جامعه گرایش می‌یابند (محسنی تبریزی، ۱۳۷۰: ۶۷). بنابراین مدل تحلیلی گرایش به خرافات به صورت زیر می‌باشد:

نمودار ۱: مدل تحلیلی گرایش به خرافات



ادبیات تحقیق

سپهر و همکارانش در تحقیقی تحت عنوان «بررسی مصادیق بارز، عوامل و علل بروز و راههای مبارزه با خرافات، موهومات، جمود، تحجر فکری، مقدس مآبی و ظاهرگرایی» به بررسی این مساله پرداخته‌اند. نتایج این تحقیق نشان داد که زنان به طرز بارز و معنی‌داری بیش از مردان و بیسوادان بیشتر از با سوادان به این قبیل امور معتقدند. از نظر رابطه شیوع خرافات و شغل بیشترین میزان مربوط به مشاغل روستایی و خانه‌داری و کمترین میزان مربوط به مشاغل فکری و کارمندان است. همچنین با بالا رفتن سن، میزان شیوع خرافات بیشتر می‌شود که این نشان از افزایش خرافات در گذر زمان است.



با بهبود سطح درآمد و وضعیت اقتصادی و کاسته شدن از مشکلات معیشتی از میزان پابندی افراد به خرافات و موهومات کاسته می شود. گذار از خانواده گسترده به خانواده هسته ای و زندگی سنتی به زندگی صنعتی، از میزان شیوع خرافات و موهومات سنتی می کاهد هر چند هیچ گاه به پایان نمی رسد (سپهر، ۱۳۷۵).

قبادی در مقاله ای با عنوان «باورهای عامیانه همدانی (آل)» به بررسی این باور خرافاتی پرداخته است. آل نام دیوی مادینه یعنی پری بدکار در خرافات زنانه است که به شب ششم جگر از بچگان برد و آنان را هلاک کند. بدین ترتیب (آل) مفهومی ساخته ذهن بشر و احتمالاً عوام است و اعتقاد به آن ناشی از بروز برخی بیماریهای ناشناخته ناشی از بارداری و زایمان بوده است که به جهت بی اطلاعاتی و برای تفسیر واقعه ای که همیشه در زندگی رخ می داده است به تولید افسانه ای آل منجر شده است (قبادی، ۱۳۷۷).

فضایی در مقاله ای با عنوان «جامعه شناسی اوهام و خرافات»، منظور از اوهام و خرافات را خبرها، عقیده ها، اندیشه ها و عادت ها و اعمال غیر علمی و خلاف منطقی می داند که جنبه بدآموزی داشته و باعث عقب نگهداشتن اذهان افراد کم سواد و بی تجربه می شوند. وی در این مقاله به چندین مورد از خرافات می پردازد از جمله: کهنات و پیشگویی حوادث آینده، جن گیری و ارتباط، طالع بینی، فال بینی و دعانویسی، توسل به جادو، طلسم و تعویذ، عقیده به حاکمیت سرنوشت، عقیده به بخت و شانس و قسمت (فضایی، ۱۳۷۷: ۴۹۱-۴۸۲).

ایکه^۱ در تحقیقی تحت عنوان «خرافات در میان معلمان مدارس راهنمایی جنوب نیجریه» به نتایج زیر می رسد:

- دانشجویان دوره لیسانس در جنوب نیجریه نسبت به فارغ التحصیلان خرافاتی تر هستند.
- میانگین نمره خرافات برای رشته های علوم تربیتی بالا و برای رشته های هنر پایین بود.
- تفاوت معناداری بین میانگین نمره ها صرف نظر از متغیرهای جنس، محل تولد، جایگاه طبقاتی و رشته مورد مطالعه وجود نداشت.
- حدود ۴۰ درصد از معلمان به ۵۴/۸۳ درصد از گویه های خرافی اعتقاد داشتند.

• بیش از ۳۳ درصد معلمان در پاسخ های خود به ۱۷ مورد یا ۲۷/۴۱ درصد از گویه های خرافات بی نظر بودند.

• حدود ۶۰ درصد از آنها نسبت به ۱۰ مورد یا ۱۶/۱۲ درصد از گویه های خرافات شدیداً مخالف و مخالف بودند.

• بیش از ۷۰ درصد در ۴ مورد از ۱۳ منطقه با تمام گویه های خرافات موافق بودند (ایکه، ۱۹۹۷).

پورسل^۱ در تحقیقی تحت عنوان «طالع بینی و تقدیرگرایی میان کارگران زن کارخانه» از طریق مشاهده مشارکتی در بین کارگران نیمه ماهر در یک کارخانه در جنوب انگلستان به جمع آوری داده ها پرداخت. نتایج نشان داد که زنان آن طوری که ازعلاق شان در اعتقاد به ارواح، طالع بینی، فال گیری و ماورالطبیعه برمی آید، نسبت به آینده از خود دل مشغولی نشان می دهند. آن ها بسیاری از اعمال و عقاید و حوادثی را که در عرف بعنوان بخت یا تقدیر توضیح داده می شوند، می پذیرند. این تمایل حمل بر نیاز به درک زندگی، محیط های غیرعقلانی و بی قدرتی زنان می باشد که همه این ها ضرورتاً یک جهت گیری تقدیرگرایانه را نشان می دهد (پورسل ۱۹۸۸).

فرضیه ها

- گرایش به خرافات در بین مردان و زنان متفاوت است.
- بین سن و گرایش به خرافات رابطه وجود دارد.
- بین تحصیلات و گرایش به خرافات رابطه وجود دارد.
- بین درآمد خانوار و گرایش به خرافات رابطه وجود دارد.
- بین قومیت و گرایش به خرافات رابطه وجود دارد.
- بین کنش عقلانی و گرایش به خرافات رابطه وجود دارد.
- بین آگاهی و گرایش به خرافات رابطه وجود دارد.
- بین احساس نابرابری و گرایش به خرافات رابطه وجود دارد.
- بین احساس امنیت و گرایش به خرافات رابطه وجود دارد.

- بین رضایت از زندگی و گرایش به خرافات رابطه وجود دارد.
- بین از خودبیگانگی و گرایش به خرافات رابطه وجود دارد.

روش مطالعه

این مطالعه، پیمایشی توصیفی و تحلیلی از نوع مقطعی است. جامعه آماری، در این مطالعه جامعه آماری عبارتست از تمامی افراد ۶۹-۱۵ سال شهر همدان.

حجم نمونه، حجم نمونه با خطای ۵/۰٪ با استفاده از جدول لین^۱ ۳۲۱ نفر می باشد. واحد مشاهده، واحد مشاهده شهروند ۶۹-۱۵ سال همدانی است.

روش نمونه گیری

یکی از انواع نمونه گیری احتمالی، نمونه گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای است. در این روش ابتدا منطقه یا مناطقی انتخاب و از میان آنها حوزه‌ها و بلوکها را انتخاب سپس خانوارهایی از میان بلوکهای انتخابی جهت مصاحبه گزینش شدند. البته در همه این مراحل انتخاب تصادفی بوده است. به منظور تحت پوشش قرار دادن شمال، جنوب، غرب و شرق شهر همدان در مرحله اول هر چهار منطقه بعنوان چهار خوشه انتخاب و از هر منطقه (خوشه) چهار حوزه انتخاب شده و از هر حوزه دو بلوک (در مجموع ۳۲ بلوک) به روش تصادفی انتخاب شده است تا از میان آنها ۳۲۱ نفر با نقطه شروع و فاصله‌های مختلف، نمونه‌های معرف جامعه باشند. از آنجایی که جمعیت بلوک ها یکسان نبوده لذا تعداد خانوارهای منتخب در هر بلوک نسبت به جمعیت آن متفاوت بوده است. این روش به نمونه گیری احتمالی متناسب با حجم^۲ نیز معروف است.

شیوه سنجش متغیر وابسته

برای سنجش گرایش به خرافات با استفاده از طیف لیکرت تعدادی سؤال در قالب سه شاخص (بخت، خوش یمنی و بدیمنی و فال) طرح شد و پس از اطمینان از پایایی و اعتبار

1- Lin

2- Probability proportional to Size =PPS

آن مورد آزمون قرار گرفت.

پایایی^۱

برای محاسبه پایایی ابزار اندازه گیری از روش آلفای کرونباخ استفاده شده است. روش آلفای کرونباخ برای محاسبه هماهنگی درونی ابزار اندازه گیری از جمله پرسشنامه یا آزمون‌هایی که خصیصه‌های مختلف را اندازه گیری می‌کنند، بکار می‌رود (دلاور، ۱۳۸۲: ۱۶۹). در این مطالعه از روش آلفای کرونباخ استفاده شده است. در روش آلفای کرونباخ، آماره آلفا شاخص پایایی کل مقیاس است که باید مقدار آن حداقل ۰/۷۰ باشد. در این پژوهش ضریب آلفای کرونباخ برای طیف آگاهی (۰/۹۱)، طیف کنش عقلانی (۰/۷۱)، طیف احساس امنیت (۰/۷۱)، طیف احساس نابرابری (۰/۷۵)، طیف رضایت از زندگی (۰/۷۶)، طیف از خود بیگانگی (۰/۷۹) و طیف گرایش به خرافات (۰/۸۷) بدست آمده است.

اعتبار^۲

مفهوم اعتبار به این سوال پاسخ می‌دهد که ابزار اندازه گیری تا چه حد خصیصه مورد نظر را می‌سنجد. بدون آگاهی از اعتبار ابزار اندازه گیری نمی‌توان به دقت داده‌های حاصل از آن اطمینان داشت (سرمد و دیگران، ۱۳۷۹: ۱۷۵).

ابزار اندازه گیری در این مطالعه پرسشنامه است و سوالات آن که به منظور سنجش گرایش به خرافات و عوامل موثر بر آن طراحی شده است از طریق مشاوره با اساتید فن، هدف مورد نظر محقق را برآورد می‌سازد. برای تعیین اعتبار همچنین از روش تحلیل عاملی که نوعی اعتبار سازه است استفاده شده است.

تحلیل عاملی^۳

تعداد ۱۸ گویه برای سنجش گرایش به خرافات در نظر گرفته شده است. از آنجائیکه این ۱۸ گویه ۳ شاخص بخت، خوش یمنی یا بد یمنی و فال را می‌سنجد، لذا با استفاده از تحلیل

-
- 1- Reliability
 - 2- Validity
 - 3- Factor Analysis

عاملی اکتشافی^۱ همبستگی تجربی بین گویه‌ها با شاخص مربوطه تحت عنوان عامل بدست آمده است. روش کار به این صورت می‌باشد که ۱۸ گویه را در تحلیل عاملی بکار برده تا عوامل عام که شالوده پاسخ افراد هستند، مشخص شوند. برای پاسخ به این سوال که آیا تعداد عامل های انتخاب شده (۳ عامل) برای ۱۸ گویه مورد تایید است یا نه؟ از آزمون (KMO) استفاده شده است که دلالت بر تایید تحلیل عاملی دارد. مقادیر حدود ۰/۹ این کمیت، تحلیل عاملی را بسیار مناسب، حول ۰/۸ مناسب، ۰/۷ متعادل، ۰/۶ متوسط، ۰/۵ ناچیز و کمتر از ۰/۵ نامناسب نشان می‌دهند (مقدس جعفری و باقر زاده، ۱۳۸۱: ۱۷۴).

جدول ۱: ماتریس چرخش یافته گویه های گرایش به خرافات

عامل	گویه	بار گویه
اول	بخت و اقبال تاثیر زیادی در زندگی آدمها دارد.	۰/۷۴۸
	هر گاه نتوانم در کاری که قصد انجام آنرا دارم موفق شوم، با خود کنار می‌آیم و آنرا به بخت و اقبالم نسبت می‌دهم.	۰/۶۶۸
	اعتقاد به سیاه بختی و سفید بختی در بیشتر مواقع درست است.	۰/۷۱۷
	من در انجام هر کاری به بخت و اقبال هم، برای موفق شدن در آن کار فکر می‌کنم.	۰/۶۹۹
	بطور کلی بخت و اقبال جزء جدایی ناپذیر زندگی آدمهاست.	۰/۷۹۳
	بنظر می‌آید در زندگی امروزی آدمها، بخت و اقبال جایگاهی ندارد.	۰/۵۹۰
درصد کل تغییرات = ۲۰/۹۱۸		درصد تجمعی = ۲۰/۹۱۸
مقدار ویژه = ۳/۷۶۵		
دوم	گویه	بار گویه
	برخی از روزها مانند روز ۱۳ فروردین (۱۳ بعد از عید) روز نحسی است و نباید در این روز کار مهمی انجام داد.	۰/۷۶۳
	حاضر نیستم در خانه ای زندگی کنم که شماره پلاک آن عدد ۱۳ باشد.	۰/۶۴۹
	هر گاه قصد انجام کاری داشته باشم، ناگهان یکی از اطرافیان و یا خودم عطسه کنیم از انجام آن کار منصرف می‌شوم.	۰/۷۰۸
	در شب نباید ناخن انگشتان دست و پا را گرفت چون بد یمن است.	۰/۷۹۸
	تاب دادن کلید و یا به هم زدن قیچی برای آدم شگون ندارد.	۰/۸۰۹
برخی از ساعات و روزها خوش یمن و برخی هم بد یمن می‌باشند.	۰/۶۳۷	
درصد کل تغییرات = ۱۷/۷۴۴		درصد تجمعی = ۳۶/۶۶۲
مقدار ویژه = ۳/۱۹۴		
سوم	گویه	بار گویه
	گاهی اوقات که آدم در زندگی به بن بست می‌رسد فالگیر می‌تواند به او کمک کند.	۰/۶۷۵
	آدم باید به تلاش و کوشش خودش تاکید کند و هیچگاه به امید فالگیر نباشد.	۰/۶۶۶
	اشکالی ندارد که آدم گاهی اوقات برای حل مشکلاتش به فالگیر پناه ببرد.	۰/۶۲۳
	آدم با فال گرفتن به آرامش می‌رسد.	۰/۶۳۳
	هیچ وقت به فکر فال گرفتن و کمک از فالگیر نیفتاده‌ام.	۰/۶۱۰
به نظر من آدمهای ضعیف‌النفس دنبال فال گرفتن و کمک از فالگیر هستند.	۰/۷۴۵	
درصد کل تغییرات = ۱۵/۶۷۹		درصد تجمعی = ۵۴/۳۴۱
مقدار ویژه = ۲/۸۲۲		

مقدار آماره KMO در این پژوهش ۰/۸۶۷ می باشد. بنابر این مجاز به استفاده از تحلیل عاملی با سه عامل هستیم. آزمون بار تلت یا کرویت نیز با مقدار ۲۲۲۹/۸۰۱ در سطح حداقل ۹۵ درصد ($Sig=0/000$) معنی دار بود. این آزمون نشان می دهد که متغیرها مستقل از هم نبوده بلکه با همدیگر همبستگی دارند. مقدار ویژه^۱ سه عامل تعیین شده از یک بیشتر بود و این امر بیانگر آن است که عامل های انتخاب شده بهترین عامل ها هستند. مقدار ویژه اندازه ای است که نشان دهنده مقدار واریانس در مجموعه متغیرهای اولیه است که توسط یک عامل تبیین می شود. هر چه این مقدار بیشتر باشد آن عامل واریانس بیشتری را تبیین می کند (دواس^۲، ۱۳۷۶: ۲۵۷) تحلیل عاملی ۱۸ گویه مورد نظر به روش مولفه اصلی^۳ و با چرخش عمودی و روش واریماکس^۴ با سه عامل اصلی صورت گرفت که نتایج آن در جدول ۱ آمده است.

بطور خلاصه، عامل های استخراج شده در این مطالعه منطبق با انتظارات نظری محقق بوده و گویه ها با بارهای عاملی بالا در عامل های انتخاب شده جای گرفتند. از اینرو، این سازه ها هم از لحاظ نظری و هم از لحاظ تجربی مورد تایید هستند. در نتیجه می توان گفت که گویه های مربوط به گرایش به خرافات دارای اعتبار سازه هستند.

توصیف داده ها

جدول ۲: توزیع پاسخگویان بر حسب متغیرهای جمعیتی

نام متغیر	تعداد	درصد	نام متغیر	تعداد	درصد		
جنس	مرد	۱۶۱	۵۰/۲	میزان تحصیلات	کمتر از ۵ کلاس	۶۹	۲۱/۵
	زن	۱۶۰	۴۹/۸		۵-۱۴ کلاس	۱۸۱	۵۶/۴
	جمع	۳۲۱	۱۰۰		بیشتر از ۱۴ کلاس	۷۱	۲۲/۱
سن	زیر ۲۳ سال	۶۱	۱۹	قومیت	جمع	۳۲۱	۱۰۰
	۲۳-۵۰ سال	۲۰۲	۶۲/۹		فارس	۱۹۷	۶۱/۷
	بالای ۵۰ سال	۵۸	۱۸/۱		ترک	۸۸	۲۷/۶
وضعیت تاهل	جمع	۳۲۱	۱۰۰	جمع	کرد و لر	۳۴	۱۰/۷
	متاهل	۲۲۲	۶۹/۲		مجرد	۹۷	۳۰/۴
	جمع	۳۱۹	۱۰۰		جمع	۳۱۹	۱۰۰

- 1- Eigen Value
- 2- Dvas
- 3- Principal Component
- 4- Varimax Rotion



با توجه به اطلاعات جدول ۲ (۵۰/۲ درصد) پاسخگویان مرد و (۴۹/۸ درصد) نیز زن می‌باشند. به عبارت دیگر تقریباً نیمی از نمونه‌های این مطالعه مرد و نیم دیگر زن هستند.

(۹/۶۲ درصد) پاسخگویان بین ۲۳ تا ۵۰ سال، (۱۹ درصد) زیر ۲۳ سال و (۱۸/۱ درصد) ۱۷۱ نیز بالای ۵۰ سال سن داشته‌اند. به عبارت دیگر بیشتر نمونه‌های این مطالعه در گروه سنی (۲۳-۵۰ سال) قرار دارند. میانگین سن پاسخگویان (۳۶/۷۵ سال) و انحراف معیار آن (۱۴/۳۶ سال) می‌باشد.

(۲/۶۹ درصد) پاسخگویان متاهل و (۳۰/۴ درصد) نیز مجرد می‌باشند. به عبارت دیگر بیشتر نمونه‌های این مطالعه متاهل هستند.

(۴/۵۶ درصد) پاسخگویان بین ۵ تا ۱۴ کلاس، (۲۲/۱ درصد) بیشتر از ۱۴ کلاس و (۲۱/۵ درصد) نیز کمتر از ۵ کلاس سواد داشته‌اند. به عبارت دیگر بیشتر نمونه‌های این مطالعه از لحاظ سواد و یا تحصیلات (۵-۱۴ کلاس) سواد دارند. میانگین تحصیلات (۹/۴۸ کلاس) و انحراف معیار آن (۵/۷۷ کلاس) می‌باشد.

(۷/۶۱ درصد) پاسخگویان، فارس، (۲۷/۶ درصد) ترک و (۱۰/۷ درصد) نیز کرد و لر می‌باشند. به عبارت دیگر بیشتر نمونه‌ها از لحاظ قومیت فارس هستند.

جدول ۳: توزیع پاسخگویان بر حسب گرایش به خرافات و شاخص‌های آن

نام متغیر		تعداد	درصد	نام متغیر		تعداد	درصد
گرایش به بخت	کم	۶۹	۲۱/۵	گرایش به فال	کم	۸۵	۲۶/۵
	متوسط	۱۸۵	۵۷/۶		متوسط	۱۶۶	۵۱/۷
	زیاد	۶۷	۲۰/۹		زیاد	۷۰	۲۱/۸
جمع		۳۲۱	۱۰۰	جمع		۳۲۱	۱۰۰
گرایش به خوش‌یمنی یا بد‌یمنی	کم	۶۷	۲۰/۸	گرایش به خرافات	کم	۶۴	۱۹/۹
	متوسط	۱۸۸	۵۸/۶		متوسط	۱۹۹	۶۲
	زیاد	۶۶	۲۰/۶		زیاد	۵۸	۱۸/۱
جمع		۳۲۱	۱۰۰	جمع		۳۲۱	۱۰۰

نتایج جدول ۳ نشان می‌دهد که بیشتر پاسخگویان (۵۷/۶ درصد) در حد متوسط، (۲۱/۵ درصد) کم و (۲۰/۹ درصد) نیز زیاد به بخت گرایش داشته‌اند. میانگین گرایش به بخت (۱۸/۵۴ نمره) و انحراف معیار آن (۴/۷۷ نمره) می‌باشد.

بیشتر پاسخگویان (۵۸/۶ درصد) در حد متوسط، (۲۰/۸ درصد) کم و (۲۰/۶ درصد) نیز

زیاد به خوش یمنی یا بد یمنی امور گرایش داشته‌اند.

میانگین گرایش به خوش یمنی یا بد یمنی امور (۱۴/۱۸ نمره) و انحراف معیار آن (۵/۸۶)

نمره) می‌باشد.

بیشتر پاسخگویان (۵۱/۷ درصد) در حد متوسط، (۲۶/۵ درصد) کم و (۲۱/۸ درصد) نیز زیاد به فال گرایش داشته‌اند.

میانگین گرایش به فال (۱۱/۰۲ نمره) و انحراف معیار آن (۴/۲۸ نمره) می‌باشد.

بیشتر پاسخگویان (۶۲ درصد) در حد متوسط، (۱۹/۹ درصد) کم و (۱۸/۱ درصد) نیز زیاد به خرافات گرایش داشته‌اند.

میانگین گرایش به خرافات (۴۳/۷۳ نمره) و انحراف معیار آن (۱۱/۳۳ نمره) می‌باشد.

عوامل مرتبط بر گرایش به خرافات و شاخص های آن رابطه بین جنس و گرایش به خرافات و شاخص های آن

جدول ۴: آزمون تفاوت میانگین گرایش به خرافات و شاخص ها بر حسب جنس

متغیر وابسته	جنس	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	مقدار T	سطح معناداری
بخت	زن	۱۶۰	۱۹/۴۳	۴/۵۵	۳/۴۱	۰/۰۰۱
	مرد	۱۶۱	۱۷/۶۵	۴/۸۴		
خوش یمنی یا بد یمنی	زن	۱۶۰	۱۵/۰۶	۵/۸۱	۲/۷۲	۰/۰۰۷
	مرد	۱۶۱	۱۳/۳۰	۵/۸۲		
خرافات	زن	۱۶۰	۴۵/۸۴	۱۱/۰۱	۳/۳۸	۰/۰۰۱
	مرد	۱۶۱	۴۱/۶۳	۱۱/۲۸		

نتایج جدول ۴ نشان می‌دهد که میانگین گرایش به بخت، خوش یمنی یا بد یمنی امور و خرافات برای پاسخگویان زن بیشتر از مردان می‌باشد که با توجه به مقدار T های به دست آمده و سطح معنی داری، تفاوت های مشاهده شده از لحاظ آماری حداقل در سطح ۹۵ درصد معنی دار می‌باشد. بنابراین طبق آمارهای ارائه شده می‌توان گفت که زنان گرایش بیشتری به خرافات دارند.



رابطه بین سن و گرایش به خرافات و شاخص های آن

جدول ۵: همبستگی سن با گرایش به خرافات و شاخص های آن

نام متغیر	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معنا داری
سن * گرایش به خوش یمنی یا بد یمنی	۰/۱۶۱	۰/۰۰۴
سن * گرایش به خرافات	۰/۱۱۵	۰/۰۳۹

نتایج جدول ۵ نشان می‌دهد که بین سن و گرایش به خوش یمنی یا بد یمنی امور و همچنین خرافات همبستگی مثبت و معنی داری حداقل در سطح ۹۵ درصد اطمینان وجود دارد. یعنی هر چقدر به سن افراد افزوده می‌شود، گرایش آنها به خوش یمنی یا بد یمنی امور و خرافات نیز بیشتر می‌شود و بالعکس.

رابطه بین درآمد ماهیانه و گرایش به خرافات و شاخص های آن

جدول ۶: همبستگی میزان درآمد ماهیانه با گرایش به بخت

نام متغیر	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معنا داری
درآمد ماهیانه * گرایش به بخت	-۰/۲۲۶	۰/۰۰۰
درآمد ماهیانه * گرایش به خوش یمنی یا بد یمنی	-۰/۲۳۹	۰/۰۰۰
درآمد ماهیانه * به خرافات	-۰/۲۴۶	۰/۰۰۰

نتایج جدول ۶- نشان می‌دهد که بین میزان درآمد ماهیانه و گرایش به بخت، خوش یمنی یا بد یمنی امور و خرافات همبستگی منفی و معنی داری حداقل در سطح ۹۵ درصد اطمینان وجود دارد. یعنی هر چقدر میزان درآمد ماهیانه افراد کمتر باشد، گرایش آنها به بخت، خوش یمنی یا بد یمنی امور و بطور کلی خرافات بیشتر است و بالعکس.

رابطه بین قومیت و گرایش به خرافات

جدول ۷: تفاوت میانگین گرایش به خرافات بر حسب قومیت

قومیت	فراوانی	میانگین نمره گرایش به خرافات	انحراف معیار	F	سطح معنا داری
فارس	۱۹۷	۴۱/۷۶	۱۰/۹۲		
ترک	۸۸	۴۶/۶۳	۱۰/۹۰	۸/۲۸	۰/۰۰۰
کرد و لر	۳۴	۴۷/۷۱	۱۲/۶۶		
کل	۳۱۹	۴۳/۷۳	۱۱/۳۶		

جدول ۷ بیانگر تفاوت میانگین گرایش پاسخگویان به خرافات بر حسب قومیت می‌باشد. همانطور که در جدول مشاهده می‌شود میانگین گرایش به خرافات برای آن دسته از پاسخگویانی که در یکی از گروههای فارس، ترک، کرد و لر قرار دارند به ترتیب عبارتست از (۴۱/۷۶، ۴۶/۶۳، ۴۷/۷۱) با توجه به مقدار F بدست آمده (۸/۲۸) و سطح معنا داری (Sig=۰/۰۰۰) تفاوت مشاهده شده بین گروههای نامبرده از لحاظ آماری معنا دار بوده. بدین ترتیب که آن دسته از پاسخگویانی که کرد و لر بوده بیشترین گرایش و افرادی که فارس هستند کمترین گرایش به خرافات را دارند.

رابطه بین متغیرهای فردی و اجتماعی و گرایش به خرافات و شاخص های آن

جدول ۸: همبستگی متغیرهای فردی و اجتماعی با گرایش به خرافات و شاخص های آن

نام متغیر	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معنا داری	نام متغیر	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معنا داری
میزان تحصیلات * گرایش به بخت	-۰/۳۳۵	۰/۰۰۰	کنش عقلانی * گرایش به بخت	-۰/۲۸۸	۰/۰۰۰
میزان تحصیلات * گرایش به خوش یعنی یا بد یعنی	-۰/۴۳۹	۰/۰۰۰	کنش عقلانی * گرایش به خوش یعنی یا بد یعنی	-۰/۲۲۲	۰/۰۰۰
میزان تحصیلات * به خرافات	-۰/۴۱۰	۰/۰۰۰	کنش عقلانی * گرایش به فال	-۰/۲۸۹	۰/۰۰۰
میزان آگاهی * گرایش به بخت	-۰/۲۸۷	۰/۰۰۰	کنش عقلانی * گرایش به خرافات	-۰/۳۴۶	۰/۰۰۰
میزان آگاهی * گرایش به خوش یعنی یا بد یعنی	-۰/۳۷۶	۰/۰۰۰	رضایت از زندگی * گرایش به بخت	-۰/۱۵۰	۰/۰۰۷
میزان آگاهی * گرایش به خرافات	۰/۳۳۹	۰/۰۰۰	از خود بیگانگی * گرایش به بخت	۰/۱۷۶	۰/۰۰۲
احساس امنیت * گرایش به خوش یعنی یا بد یعنی	-۰/۱۲۲	۰/۰۲۸	از خود بیگانگی * گرایش به فال	۰/۱۵۸	۰/۰۰۵
احساس نابرابری * گرایش به خوش یعنی یا بد یعنی	۰/۱۲۷	۰/۰۲۳	از خود بیگانگی * گرایش به خرافات	۰/۱۴۲	۰/۰۱۱

نتایج جدول ۸ نشان می دهد که بین میزان تحصیلات و گرایش به بخت، خوش یمنی یا بد یمنی امور و خرافات همبستگی منفی و معنی داری حداقل در سطح ۹۵ درصد اطمینان وجود دارد. یعنی هر چقدر میزان تحصیلات افراد کمتر باشد، گرایش آنها به بخت، خوش یمنی یا بد یمنی امور و بطور کلی خرافات بیشتر است و بالعکس.

• بین میزان آگاهی و گرایش به خرافات و دو شاخص آن (بخت و خوش یمنی یا بد یمنی امور) همبستگی منفی و معنی داری حداقل در سطح ۹۵ درصد اطمینان وجود دارد. یعنی هر چقدر میزان آگاهی افراد کمتر باشد، گرایش آنها به خرافات و دو شاخص آن (بخت و خوش یمنی یا بد یمنی امور) بیشتر می شود و بالعکس.

• بین احساس امنیت و تنها یکی از شاخص های خرافات (گرایش به خوش یمنی یا بد یمنی امور) همبستگی منفی و معنی داری وجود دارد. یعنی هر چقدر احساس امنیت افراد کمتر باشد، گرایش آنها به خوش یمنی یا بد یمنی بیشتر می شود و بالعکس.

• بین احساس نابرابری و تنها یکی از شاخص های خرافات (گرایش به خوش یمنی یا بد یمنی امور) همبستگی مثبت و معنی داری وجود دارد. یعنی هر چقدر احساس نابرابری افراد بیشتر باشد، گرایش آنها به خوش یمنی یا بد یمنی نیز بیشتر می شود و بالعکس.

• بین کنش عقلانی و گرایش به خرافات و هر سه شاخص آن (بخت، خوش یمنی یا بد یمنی امور و فال) همبستگی منفی و معنی داری وجود دارد. یعنی هر چقدر کنش عقلانی افراد کمتر باشد، گرایش آنها به خرافات و هر سه شاخص آن بیشتر می شود و بالعکس.

• بین رضایت از زندگی و تنها یکی از شاخص های خرافات (گرایش به بخت) همبستگی منفی و معنی داری وجود دارد. یعنی هر چقدر رضایت از زندگی افراد کمتر باشد، گرایش آنها به بخت بیشتر می شود و بالعکس.

• بین از خود بیگانگی و گرایش به خرافات و دو شاخص آن (بخت و فال) همبستگی مثبت و معنی داری وجود دارد. یعنی هر چقدر از خود بیگانگی افراد بیشتر باشد، گرایش آنها به خرافات و دو شاخص آن (بخت و فال) نیز بیشتر می شود و بالعکس.

پیش بینی معادله گرایش به بخت به روش مرحله به مرحله

جدول ۹: عناصر اصلی تحلیل چند متغیره به روش مرحله به مرحله از مرحله اول تا مرحله پنجم برای پیش بینی گرایش به خرافات

مرحله	متغیر وارد شده	R	R ^۲	Δ R ^۲	B	β	T	خطای استاندارد	Sig. T
اول	میزان تحصیلات	۰/۴۰	۰/۱۶	-	-۰/۶۸۷	-۰/۳۴۸	-۷/۰۸	۱۰/۴۴	۰/۰۰۰
دوم	کنش عقلانی	۰/۴۹	۰/۲۴	۰/۰۸	-۰/۷۷۸	-۰/۲۶۳	-۵/۲۷	۹/۹۵	۰/۰۰۰
سوم	انزوا	۰/۵۲	۰/۲۷	۰/۰۳	۰/۷۳۲	۰/۱۶۱	۳/۲۲	۹/۷۹	۰/۰۰۱
چهارم	احساس امنیت	۰/۵۳	۰/۲۹	۰/۰۲	۰/۴۸۲	۰/۱۶۳	۳/۲۳	۹/۶۹	۰/۰۰۱
پنجم	بی معنایی	۰/۵۴	۰/۳۰	۰/۰۱	۰/۴۳۶	۰/۱۱۰	۲/۱۵	۹/۶۳	۰/۰۳۲
		R = ۰/۵۴		F = ۲۵/۸۲					
		R ^۲ = ۰/۳۰		Sig F = ۰/۰۰۰					
						a = ۴۹/۷۱			

نتایج رگرسیون چند متغیره با روش مرحله به مرحله برای متغیر وابسته نهایی (گرایش به خرافات) در جدول ۹ بیانگر آن است که معادله پیش بینی ما دارای پنج مرحله است. بر اساس جدول نامبرده ضریب همبستگی چند متغیره (R) در مرحله پنجم برابر با ۰/۵۴ می باشد. ضریب تعیین (R^۲) بدست آمده در مرحله پنجم نشان می دهد که در نهایت پنج متغیر درون معادله یعنی میزان تحصیلات، کنش عقلانی، انزوا، احساس امنیت و بی معنایی می توانند ۰/۳۰ از واریانس گرایش به خرافات را تبیین یا پیش بینی کنند.

ضریب تعیین (R^۲) بدست آمده در هر پنج مرحله در سطح اطمینان حداقل ۹۵ درصد از لحاظ آماری معنا دار بوده است. سایر شاخص های آماری برای متغیرهای درون معادله مانند ضریب رگرسیون (B) برای نمرات استاندارد نشده و (Beta) برای نمرات استاندارد شده و نیز آزمون را می توان ملاحظه کرد. آزمون نشان می دهد که ضریب برای هر پنج متغیر در سطح حداقل ۹۵ درصد از لحاظ آماری معنا دار است.

بنابر این شکل عمومی معادله رگرسیون پنج متغیره بدست آمده برای پیش بینی گرایش به خرافات بصورت زیر ارائه می شود:

$$y = a + \beta_1(x_1) + \beta_2(x_2) + \beta_3(x_3) + \beta_4(x_4) + \beta_5(x_5)$$

در نهایت شکل معادله به صورت زیر می باشد:

$$y = ۴۹/۷۱ + (-۰/۳۴۸)(x_1) + (-۰/۲۶۳)(x_2) + (۰/۱۶۱)(x_3) + (۰/۱۶۳)(x_4) + (۰/۱۱۰)(x_5)$$

بحث و نتیجه گیری



خرافات در هر قوم و ملتی جایگاه خاص خود را دارد حتی امروزه که اغلب حوادث و مسائل را می‌توان با رویکرد علم حل نمود و با نگاهی اندیشمندانه و عالمانه به آنها نگرست ولی هنوز عده‌ای وجود دارند که به خرافات باقی مانده از نسل پیش از خود پایبند هستند و در فرایند جامعه‌پذیری و فرهنگ‌پذیری آنها را به نسل بعد از خود انتقال می‌دهند. به همین منظور شناخت دقیق‌تر از موضوع می‌تواند فرایند جامعه‌پذیری را با آگاهی بیشتری همراه سازد. در این مطالعه متغیرهایی که بر اساس نظریات مختلف بکار رفته‌اند، در رابطه با گرایش به خرافات بررسی شده و نتایج متفاوتی از آنها بدست آمد. در بررسی‌های بعمل آمده مشخص شده است که زنان خرافاتی‌تر از مردان هستند. در این بررسی نیز در تمام شاخص بجز شاخص فال زنان خرافاتی‌تر از مردان بودند. از نظر گرایش به فال تفاوت معناداری بین زنان و مردان وجود نداشته و این مساله نشان دهنده آنست که دامنه فال‌گیری از جامعه زنان به جامعه مردان بسط یافته است و با توجه به انواع مختلف فال و مروجین آن ذهن هر دو قشر جامعه را به خود مشغول ساخته است و راه حل سراب گونه‌ای در اختیار مخاطبین خود قرار می‌دهند. فرایند جامعه‌پذیری در نسل قدیمی‌تر همراه با افسانه‌هایی بوده است که بیشتر رنگ و بوی خرافات دارد. در حالیکه در نسل جدیدتر، فرایند جامعه‌پذیری بگونه‌ای است که کمتر به مسائل دور از ذهن توجه می‌شود. تاثیر این مساله زمانی آشکار می‌شود که به سن پاسخگویان این مطالعه توجه شود. نتیجه مهمی که از این مطالعه در این زمینه به دست می‌آید آنست که افراد مسن‌تر به تمام شاخص‌های خرافات، به جز شاخص فال گرایش مثبت‌تری نسبت به جوانترها داشته‌اند. خرافات عمدتاً ریشه در جهل بشری دارد. ذهن افراد نا آگاه و کم‌سواد، قدرت تجزیه و تحلیل مسائل را نداشته و معمولاً اینگونه افراد به دنبال راحت‌ترین و سهل‌الوصول‌ترین راه که البته همیشه درست‌ترین راه نمی‌باشد هستند. خرافات از این قبیل مسائل است، بنابراین با افزایش در علم و آگاهی و سطح تحصیلات گره‌های تلخ و ناخوشایند خرافات سست می‌شود. نتایج این مطالعه نیز نشان می‌دهد که هر چه سطح تحصیلات افراد و همچنین میزان آگاهی آنها بالا می‌رود گرایش‌شان به خرافات و شاخص‌های آن بجز شاخص فال کمتر می‌شود. همانگونه که قبلاً نیز گفته شد فال دامنه وسیعی به خود گرفته به همین دلیل قشرهای مختلف جامعه را به خود مشغول ساخته است.

امروزه افراد با سواد نیز با فال های مدرن که از طریق رسانه ها (اینترنت، مجله، روزنامه و کتاب) مواجهه هستند و از طریق این وسایل که باید در خدمت اطلاع رسانی دقیق به افراد جامعه باشد خود درگیر این مساله شده و دیگران را نیز به آن تشویق می نمایند.

یکی از شاخص های رفاه عمومی داشتن در آمد بالا می باشد. نتایج این مطالعه نشان داد که افراد مرفه نسبت به افراد فقیر کمتر به سمت خرافات گرایش می یابند. بنابراین با افزایش شکاف طبقاتی و افزایش طبقه فقیر به احتمال زیاد باورهای خرافاتی بیشتر رواج می یابند. در نظام فرهنگی، خرده فرهنگ های مختلفی وجود دارند و در اثر رابطه تعاملی که دارند باعث تحرك و پویایی نظام فرهنگی می شوند. برخی از خرده فرهنگ ها در رابطه تعاملی خود هنوز عناصری از پیشینیان خود به همراه دارند و در قالب افسانه ها یا آنها را سینه به سینه نقل کرده و به نسلهای بعد از خود انتقال می دهند. خرده فرهنگ هایی که ریشه سنتی داشته و اغلب کنشگران آنها که از یک بافت سنتی و روستایی برخاسته اند بیشتر به رفتارهایی تمایل دارند که اصطلاحاً خرافات نامیده می شوند. در مطالعه حاضر این مساله در بررسی قومیت ها نشان داده شده است طوری که اقوام کرد و لر بیشترین گرایش به خرافات و شاخص های آن داشته در حالیکه قومیت فارس کمترین گرایش به این پدیده داشته اند.

کنش اجتماعی یکی از موضوعات مهم در علوم اجتماعی بطور عام و حوزه جامعه شناسی بطور خاص می باشد. در یک تقسیم بندی کلی از ما کس وبر، کنش های اجتماعی به کنش عقلانی، سنتی و عاطفی تقسیم می شود. آنچه که در دنیای کنونی اهمیت بسزایی دارد کنش عقلانی است. در کنش عقلانی افراد رفتار حسابگرانه ای دارند. لذا به اموری که عقل بشر را نقض کرده توجه نمی کنند. یافته های این مطالعه نیز گویای همین مطلب می باشد. یعنی هر چقدر کنش افراد عقلانی تر است، گرایش به خرافات و تمام شاخص های آن کمتر می شود.

به زعم بسیاری از اندیشمندان یکی از نیازهای مهم افراد، نیاز به امنیت است. اهمیت این نیاز از نظر مازلو تا اندازه ای است که وی آن را بعنوان مهمترین و پایه ای ترین نیاز بشر بعد از نیاز فیزیولوژیکی می داند که برای رسیدن به نیاز بالاتر باید ارضاء شود. بنابراین آنچه که حائز اهمیت است تقویت زمینه های احساس امنیت می باشد. زیرا برآیند عدم احساس امنیت بروز برخی از انواع نابهنجاری های اجتماعی است که شاید یکی از آنها



خرافات باشد. نتایج این مطالعه رابطه معکوسی را بین احساس امنیت و گرایش به یکی از شاخص‌های مهم خرافات (خوش‌یمنی یا بدیمنی) نشان داد. به عبارت دیگر اگر افراد احساس امنیت نداشته باشند بیشتر به خوش‌یمن و یا بدیمن بودن برخی از رفتارها و پدیده‌ها گرایش می‌یابند. افرادی که از زندگی خود رضایت دارند کمتر به فکر استفاده از بدیلها^۱ هستند. یکی از بدیل‌هایی که می‌تواند برای افراد کارکردهای تخریب‌کننده و یا حداقل فاقد کارکرد باشد، متوسل شدن به بخت و اقبال به جای سعی و تلاش مستمر است. نتایج این مطالعه نشان داد، افرادی که از زندگی خود رضایت نداشته گرایش بیشتری به بخت دارند و می‌خواهند از این طریق مرهمی بر زخم‌های کهنه خود بگذارند غافل از اینکه این مرهم توهمی بیش نیست و فقط مسکنی است گذرا بر آلام دیرپا. از خود بیگانگی گرچه از مفاهیم و پدیده‌های همزاد با جامعه سرمایه‌داری است اما ریشه در آغاز فعالیت‌های یدی افراد از نخستین تمدن‌های بشری دارد. در هر صورت پدیده از خود بیگانگی از جمله پدیده‌های نابهنجاری است که مشکلات زیادی در عرصه فعالیت‌های اجتماعی بوجود آورده است به همین دلیل اندیشمندان زیادی در این زمینه کار تجربی انجام داده‌اند از جمله ملوین سیمن که در این پژوهش نیز از شاخص‌های وی برای سنجش از خود بیگانگی^۲ استفاده شده است. این شاخص‌ها عبارتند از بی‌قدرتی، بی‌هنجاری، بی‌معنایی، انزوا و جدایی از خویش. تمام این شاخص‌ها به جز شاخص بی‌قدرتی و جدایی از خویش حداقل با یکی از شاخص‌های گرایش به خرافات در رابطه بوده، به عبارت دیگر اگر به افراد احساس بی‌معنایی دست بدهد، به بخت گرایش بیشتری می‌یابند هر چقدر احساس بی‌هنجاری در افراد بیشتر باشد، به فال گرایش بیشتر دارند. با انزوای بیشتر در افراد گرایش آنها به بخت، خوش‌یمنی یا بدیمنی و فال بیشتر می‌شود. بنابراین اگر افراد بیشتر از خود بیگانه باشند گرایش بیشتری به خرافات می‌یابند. بنابراین می‌توان گفت خرافات یک پدیده نابهنجار اجتماعی است که می‌تواند زمینه‌ساز بسیاری از معضلات اجتماعی باشد.

پیشنهادات

• ترویج و تشویق روحیه خودباوری فرهنگی و تلاش در جهت کاهش زمینه‌های از

1- Alternative

2- Alienation

خود بیگانگی.

- تلاش در جهت کاهش زمینه های احساس بی قدرتی با مشارکت دادن افراد در تصمیم گیری ها و توجه به رای و نظرات آنها.
- کاهش تناقض گویی ها و تلاش در جهت معنا دهی به زندگی افراد با ایجاد برنامه هایی در زمینه تقویت اعتماد به نفس و بروز خلاقیت ها.
- تشویق و ایجاد برنامه هایی در زمینه فعالیت های جمعی و حذف موانع انزوا و جدایی از خویشان.
- افزایش سطح آگاهی افراد با تشویق آنها به مطالعه و مشارکت در فعالیت های علمی و تحقیقاتی.
- ترویج و بها دادن به کنش عقلانی و حذف کنش های عاطفی و سستی حتی المقدور در حوزه های رفتار جمعی.
- بازنگری در نوع تعامل با مخاطبین و جلب اعتماد آنها و شناسایی زمینه های احساس نا امنی افراد و تلاش در جهت تقویت احساس امنیت از طریق فعالیت های جمعی با دیگر سازمانها.
- اشاعه رفتارهای برابر گونه و مساوات طلبانه بصورت عملی در سطوح خرد و در کوتاه مدت بین اقشار مختلف جامعه.
- تلاش در جهت شناسایی و حذف عوامل نارضایتی از زندگی با ایجاد برنامه های کاربردی و کارگاه آموزشی با هدف معقول نمودن انتظارات افراد از نظام اجتماعی و بالعکس.
- اشاعه فرهنگ کتابخوانی و مصرف کالاهای فرهنگی بعنوان یک اولویت مهم در محیط خانواده.
- آموزش جامعه پذیری مناسب در محیط خانواده که بواسطه آن افراد در فرایند جامعه پذیری کمتر مروج رفتارهای توأم با خرافات باشند.
- مقابله با رسانه های ترویج دهنده خرافات با هر شکل و روشی.
- تشویق خرده فرهنگ ها به تامل در عناصر فرهنگی خود و پالایش آن.

منابع

- ۱- الیاده، میرچاه (۱۳۷۶)، رساله در تاریخ ادیان، ترجمه جلال ستاری، تهران: سروش.
- ۲- اینگلهارت، رونالد (۱۳۷۳)، تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته، ترجمه مریم وتر، تهران: انتشارات کویر.
- ۳- بی نا (۱۳۷۸)، پژوهش در فرهنگ عمومی، تهران: کتاب بازار.
- ۴- توسلی، غلامعباس (۱۳۷۳)، نظریه‌های جامعه‌شناسی، تهران: سمت.
- ۵- جاهد، گوستاو (۱۳۶۳)، روانشناسی خرافات، ترجمه محمد تقی براهنی، تهران: نشر نو.
- ۶- جهان پور، علی (۱۳۷۷)، پندارها و باورهای مردمی همدان پیرامون سنگ شیر، چیستا، شماره ۳ و ۲، صص ۱۷۷-۱۷۴.
- ۷- حرم پناهی، ریحانه (۱۳۸۱)، خرافات، باورهای عامیانه و بهداشت روان، حدیث زندگی، شماره ۹.
- ۸- خالدی خادمی، حمید رضا (۱۳۷۵)، طالع بینی از واقعیت تا خرافات، جاده ابریشم، شماره ۹.
- ۹- خسروی، رکن الدین (۱۳۶۶)، سیمرغ و جادو- پزشکی (شمینیم)، چیستا، شماره ۳.
- ۱۰- دلاور، علی (۱۳۸۲)، مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی، تهران: انتشارات رشد.
- ۱۱- دواس، دی. ای (۱۳۷۶)، پیمایش در تحقیقات اجتماعی، ترجمه هوشنگ نایی، تهران: نشر نی.
- ۱۲- سپهر، مسعود و دیگران (۱۳۷۵)، بررسی مصادیق بارز، عوامل و علل بروز و راههای مبارزه با خرافات، موهومات، جمود، تبحر فکری، مقدس مآبی و ظاهرگرایی.
- ۱۳- سرمد، زهره و دیگران (۱۳۷۹)، روشهای تحقیق در علوم رفتاری. تهران: نشر آگاه، چاپ چهارم.
- ۱۴- صدری، غلامحسین (۱۳۷۳)، فرهنگ فارسی امروز، تهران.
- ۱۵- عمید، حسن (۱۳۶۵)، فرهنگ عمید، تهران: امیر کبیر.
- ۱۶- فراستخواه، مقصود (۱۳۷۱)، داوریهای جامعه‌شناسی در دین، کیان، شماره ۱۰.
- ۱۷- فضایی، یوسف (۱۳۷۷)، جامعه‌شناسی اوهام و خرافات، چیستا، شماره ۷ و ۶، صص ۴۹۱-۴۸۲.
- ۱۸- فروتن، مجید (۱۳۷۰)، فرهنگ فارسی، جلد ۱، تهران.
- ۱۹- فروند، ژولین (۱۳۶۸)، جامعه‌شناسی ماکس وبر، ترجمه عبدالحسین نیک گهر، تهران: رایزن.
- ۲۰- فیض آبادی فراهانی، مهدی (۱۳۷۸)، فال بینان؛ سوداگران اندیشه، جوان، ۲/۲۰.
- ۲۱- قبادی، علیرضا (۱۳۷۷)، باورهای عامیانه همدانی «آل»، فرهنگ همدان، شماره ۱۴ و ۱۳.
- ۲۲- کیوی، ریمون و کامپنهود، لوک وان (۱۳۷۰)، روش تحقیق در علوم اجتماعی، ترجمه عبدالحسین نیک گهر، تهران: نشر توتیا.
- ۲۳- گاکند، راب (۱۳۷۸)، بازگشت به باورهای سده‌های میانه، ترجمه اسد عظیم زاده، چیستا، شماره ۵

- ۲۴- محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۷۵)، بیگانگی مانعی برای مشارکت و توسعه ملی: بررسی رابطه بین بیگانگی و مشارکت اجتماعی و سیاسی، نامه پژوهش، شماره ۱، صص ۸۹-۱۰۹.
- ۲۵- مقدس جعفری، محمد حسن و باقرزاده، فیروز (۱۳۸۱)، بررسی عوامل موثر بر مشارکت فرهنگی دانشجویان دانشگاه‌های کرمان، فصلنامه پژوهشگران فرهنگ، شماره ۱، صص ۲۰۴-۱۵۷.
- ۲۶- ناصح، محمد مهدی (۱۳۵۷)، رد پای در کوره راه خرافات، مشهد: مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد.
- ۲۷- وارننگ، فیلیپ (۱۳۷۱)، فرهنگ خرافات و تعبیر خواب، ترجمه احمد حجاران.

28- Line, Nan (1978) «Foundations of Social Research». New York.

29- Oikeh, John Abiodun (1980) «Health Superstitions Among Southern Nigerian Post- Primary School Teachers», Dissertation Abstracts International, Vol. 40, No.8, pp.4425-A.

30- Purcell, Kate (1989) «More in Hope Than in Anticipation: Fortune Telling and Fatalism among Female Factory Workers», Sociological Abstracts, No.46.

31- Turner, Jonathan H. (1998) the Structure of Sociological Theory, NewYork: Wadsworth Publishing Company, (Sixth Edition).